

«اقرار علی‌اف» و اقرار حقیقت

به‌جرات می‌توان گفت که یکی از وخیم‌ترین تبعات معاهدات «گلستان»، «ترکمانچای» و معاهدات «آخال» و تجزیه شدن بخش‌های وسیعی از شمال ایران و سپس تسلط امپراطوری روسیه تزاری و اتحاد جماهیر شوروی بر این مناطق، کاشته شدن تخم «بحران هویت» در این مناطق بوده است.



به گزارش آران نیوز: اقوام و واحدهای جمعیتی ساکن این مناطق نیز شاید بیشترین آسیب را از کاشته شدن تخم «بحران هویتی»، مردمان قفقاز در شمال ارس متحمل شده‌اند و میان مردمان شمال ارس نیز آذری‌ها به دلایل مختلف، بیش از ارمنه و گرجی‌ها هدف سیاست‌های «تحریف هویت» قرار گرفته و زیان دیده‌اند. البته، در طول دو قرن گذشته هرچه نیروی وارد شده برای تحریف هویت آذری‌های شمال ارس شدیدتر شده، متقابلاً مقاومت شدیدتری نیز از همین مردم نشان داده شده است.

اخیراً، تصویر سخنان مرحوم «اقرار علی‌اف»، یکی از مورخان معاصر جمهوری آذربایجان در یکی از نشست‌های تدوین قانون اساسی این جمهوری در پی فروپاشی شوروی، که از آرشوی دولتی خارج شده و در یوتیوب منتشر شده بود، مجدداً بازنشر شد. اقرار علی‌اف در سخنرانی خود در این نشست، تأکید می‌کند که بنا به دلایل هویتی و تاریخی و با در نظر گرفتن ریشه‌های ملی، نباید مردمان ساکن در منطقه‌ای که امروز جمهوری آذربایجان نامیده می‌شود، «ترک» نامیده شوند و نباید زبان این مردم نیز زبان «ترکی» خوانده شود. اقرار علی‌اف تصریح می‌کند که براساس منابع تاریخی، «ترک‌ها» که شماری از خانواده‌های بزرگ بودند، در طول تاریخ از بین رفته و نابود شده‌اند و نام «ترک» را بعداً وارثان امپراطوری عثمانی مصادره به مطلوب کرده‌اند. براساس گفته‌های مرحوم اقرار علی‌اف، وارثان دولت عثمانی براساس مصالح سیاسی خود تصمیم گرفتند برای معرفی خود از نام «ترک» استفاده کنند و به‌صراحت تأکید کردند که «ملت یکصد میلیونی ترک برای ما لازم است!»، مرحوم اقرار علی‌اف به حیدر علی‌اف و سردمداران جمهوری آذربایجان، پیشنهاد کرده بود همان‌طور که عثمانی‌ها تصمیم گرفتند از نام خود صرف نظر و نام «ترک» را بر خود اطلاق کنند، سردمداران جمهوری آذربایجان باید از نام «زبان آذربایجانی» (آذربایجان دیلی) برای معرفی زبان این جمهوری و «آذربایجانی» (آذربایجانلی) برای معرفی هویت خود استفاده کنند.

در زمان تصویب قانون اساسی موجود جمهوری آذربایجان که حیدرعلی‌اف نقش اساسی در تصویب آن داشت، براساس مصالح سیاسی که حیدرعلی‌اف در نظر گرفته بود و به اصطلاح با در نظر گرفتن "اصول دولتمداری" مدنظر حیدرعلی‌اف و به‌منظور تنویریه کردن جاه‌طلبی‌های باکو در چارچوب «آذربایجانگرایی» نظریه‌پردازی شده است، در نهایت تصمیم گرفته شده است نام زبان رسمی این جمهوری، «زبان آذربایجانی» (آذربایجان دیلی) و ملیت مردمان آن «آذربایجانی» (آذربایجانلی) در نظر گرفته شده، از اطلاق نام «ترک» بر مردم جمهوری آذربایجان خودداری شود.

اما، هنوز پس از گذشت نزدیک به سه دهه از زمان فروپاشی شوروی و تبدیل جمهوری آذربایجان به واحدی سیاسی که از نظر حقوق بین‌الملل و قواعد سازمان ملل، یک کشور یا دولت مستقل محسوب می‌شود، همچنان بحران "جست‌وجوی هویت و ریشه" بر این کشور حاکم است و همه‌ساله در مناسبت‌های تاریخی مختلف و حتی بعضاً در زمان‌هایی که مناسبت تاریخی خاصی نیز ندارد، مباحث شدیدی در محافل فکری و رسانه‌ای باکو در خصوص "هویت" جمهوری آذربایجان در می‌گیرد و این سؤال مطرح می‌شود که «نام ملیت ما چیست، آذربایجانی یا ترک؟ نام زبان ما چیست؟ زبان آذربایجانی یا ترکی؟».

در این میان، طرفداران حاکمیت و نظریه سیاسی یا ایدئولوژی حاکم بر جمهوری آذربایجان تأکید می‌کنند با آنکه مردم این کشور جزئی از "نژاد ترک" هستند، برای اینکه هویت مجزا و مستقل این مردم از سایر ترک‌ها متمایز شود، نام منطقه جغرافیایی محل زندگی این مردم یعنی «آذربایجان» در معرفی هویت ملی یا قومی آنها نیز به‌کار برده می‌شود و این مردم، «آذربایجانی» یا «آذربایجانلی» معرفی و خطاب می‌شوند و نه ترک. از نظر این گروه، البته معرفی مردم جمهوری آذربایجان با نام «آذربایجانی» و اطلاق نام جغرافیایی بر هویت ملی، مغایرتی با تعلق آنها به نژاد «ترک» ندارد!! البته، این گروه عامدانه تجاهل می‌کنند که اطلاق نام جغرافیایی «آذربایجان» نیز بر ساکنان مردمان شمال ارس، ریشه و واقعیت تاریخی ندارد و این نام که به مناطقی در جنوب رود ارس و در شمال غرب ایران اختصاص دارد، با در نظر گرفتن اهداف سیاسی مؤسسان "جمهوری دموکراتیک آذربایجان" در سال 1918 و با مسامحه دولت وقت ایران، بر این منطقه اطلاق شده است و اگر به تاریخ باستان استناد شود، نام این منطقه «آلبانیا» بوده است و اگر به تاریخ قرون اخیر استناد شود، نام‌هایی همچون شیروان، اران یا آران که هریک بر بخش‌هایی از «آلبانیای قدیم» اطلاق می‌شدند، برای معرفی کشوری که هم‌اکنون "جمهوری آذربایجان" نامیده می‌شود، درست خواهد بود، زیرا، آذربایجان نام تغییر شکل یافته «آتروپاتن»، یکی از ساتراپ‌ها یا به تعبیر امروزی یکی از استان‌های دولت هخامنشی ایران است که حدود شمالی آن رود ارس بوده است و در مجاورت شمالی استان یا ساتراپ «آتروپاتن» نیز ساتراپ «آلبانیا» در شمال رود ارس قرار داشته است که "جمهوری آذربایجان" کنونی در واقع در بخشی از حیطة جغرافیایی ساتراپ «آلبانیا» قرار دارد که در اینجا نیز اقوام مختلفی ساکنند و در نامگذاری این کشور با نام "جمهوری آذربایجان" عملاً این اقوام از جمله تالش‌ها و لزگی‌ها و آوارها و ارمنه و سایر قومیت‌های کوچک و بزرگ نادیده گرفته شده‌اند.

طرفداران نظام سیاسی حاکم بر جمهوری آذربایجان که با تحریف ریشه‌ها و واقعیت‌های تاریخی خود را «آذربایجانگرا» معرفی می‌کنند، همچنین در تبیین منطق حاکم بر نامگذاری زبان رسمی این کشور و استفاده از عبارت «زبان آذربایجان» یا «آذربایجان

دیلی»، در استدلالی غیرمنطقی و تناقض‌آلود، ادعا می‌کنند که با وجود ترکی بودن زبان این کشور، نباید زبان رسمی جمهوری آذربایجان را زبان «ترکی» نامید! و باید آن را «زبان آذربایجان (آذربایجان دیلی)» نامید. یکی از جدیدترین استدلال‌هایی که در این زمینه مطرح شد، استدلال علی‌حسن‌اف، مدیر شعبه اجتماعی - سیاسی ریاست جمهوری آذربایجان است که اخیراً در همایش «نقش رسانه‌ها در حفظ و توسعه زبان ادبی آذربایجان» گفت: «اگر زبان قزاقی و ازبکی وجود دارد، چرا زبان آذری باقی نماند؟ چرا باید این زبان را نابود کنیم؟» این گروه، حتی به طرز بهت‌آوری با استفاده از نام «آذری» برای نامیدن زبان این مردم مخالفت می‌کنند و می‌گویند «آذری» نامی است که فارس‌ها برای زبان این مردم انتخاب کرده‌اند و باید از به‌کارگیری آن پرهیز شود!!

در مقابل، ترک‌گرایان افراطی در جمهوری آذربایجان تصریح می‌کنند که باید برای معرفی هویت و زبان این جمهوری از نام «ترک» استفاده شود. این گروه ادعا می‌کنند که مردم جمهوری آذربایجان از نظر ریشه‌های خونی، جزئی از «ملت ترک» هستند و زبانشان نیز زیرشاخه‌ای از زبان «ترکی» است و به همین علت، باید در قانون اساسی جمهوری آذربایجان، زبان رسمی کشور «زبان ترکی» (ترک دیلی) و هویت ملی نیز «ترک» قید شود!

به‌جز این دو جریان که در «زیرشاخه ترک» دانستن مردم "جمهوری آذربایجان" و زبان این جمهوری، در واقع نظر مشترکی دارند، سایر محققان و معتقدان به واقعیت‌های تاریخی در خصوص هویت و ریشه خونی و زبانی مردم جمهوری آذربایجان، عملاً از هیچ حق و امکانی برای طرح کردن دیدگاه خود در عرصه فکری و رسانه‌ای جمهوری آذربایجان برخوردار نیستند و به شدت سرکوب می‌شوند و از طرف جریان طرفدار هویت «آذربایجانی» و هویت «ترکی» که قدرت سیاسی و ثروت و رسانه در جمهوری آذربایجان در دست آنها قرار دارد، به شدت تخطئه و سرکوب می‌شوند، حتی محققانی همچون اقرار علی‌اف که با وجود مخالفت با اطلاق نام «ترک» بر جمهوری آذربایجان، بخش‌هایی از مبانی ایدئولوژی ساختگی «آذربایجانگرایی» نظام حاکم این جمهوری را پذیرفته‌اند نیز از این تخطئه و سرکوب بی‌بهره نمانده‌اند و اقرار علی‌اف نیز در شرایطی از دنیا رفت که مورد غضب و نفرت روزافزون نظام حاکم بر جمهوری آذربایجان قرار داشت.

اما، با وجود تمام چارچوب‌هایی که حاکمیت‌های مختلف، از روسیه تزاری گرفته تا رژیم کمونیستی شوروی و نظام کنونی «ترک‌گرا، آذربایجانگرا و صهیونیسم‌گرا» در باکو برای معرفی هویت این مردمان این سرزمین دیکته کرده‌اند، مردم این سرزمین توانسته‌اند ریشه هویتی خود را تا حدود زیادی حفظ و حراست کنند و هر از گاهی نیز برای اظهار آن از فرصت‌های مختلف بهره می‌برند، به‌عنوان نمونه، در اواخر عمر شوروی و در ماه‌هایی که رژیم آهنین شوروی در حال احتضار بود، مردم این سرزمین فرصت یافتند که هویت واقعی خود را بروز دهند؛ به این نحو که مردم این سرزمین در ماه‌های نوامبر و دسامبر سال 1989، گروه گروه خود را به مرز شوروی با ایران می‌رساندند و در حالی که هنوز نیروهای شوروی در آنجا مستقر بودند و با آنکه این خوف و وحشت حاکم بود که هر شخص و گروهی، هویت اصیل ایرانی خود را اظهار کند، ممکن است جانش را از دست بدهد، مردم جمهوری آذربایجان اعم از زن و مرد و پیر و جوان خود را به آب‌های سرد رود ارس می‌زدند و با عبور از مرز رسمی ایران، ریشه هویتی خود را با بوسه زدن به خاک ایران به نمایش می‌گذاشتند و اظهار می‌کردند.

در سال‌های اخیر نیز در حالی که نظام حاکم بر جمهوری آذربایجان به‌انحاء مختلف و با هدایت و راهنمایی‌اش از طرف جریان صهیونیسم و پان‌ترکیسم سعی دارد فرایند «هویت‌سازی» یا به‌تعبیر درست‌تر «جعل هویت» برای جمهوری آذربایجان را بیش از پیش به این سمت سوق دهد که هویت این جمهوری را «آذربایجانی» و زیرمجموعه‌ای از «ملت ترک» و دارای «سبک زندگی چندفرهنگی و چنددینی» معرفی کند، اکثریت مردم جمهوری آذربایجان با حضور و شرکت در مراسم عاشورا، هویت شیعی و ریشه ایرانی خود را به صراحت اظهار و اعلام می‌کنند. اما، با در نظر گرفتن مجموعه شرایط حاکم بر جمهوری آذربایجان و معادلات قدرت در این جمهوری، بعید به نظر می‌رسد در آینده نزدیک، راه خروجی برای «بحران هویت» و رهایی از مباحث جاری درباره «جست‌وجوی هویت و ریشه» در این جمهوری یافته شود، زیرا، متولیان کنونی نظام سیاسی و فکری حاکم بر جمهوری آذربایجان اعم از ریاست جمهوری، آکادمی ملی علوم و به‌خصوص انستیتوی تاریخ و سایر مؤسسات فکری مربوطه هیچ علاقه‌ای برای پایان دادن به مباحث هویتی در این جمهوری ندارند و همچنان جست‌وجو برای یافتن پاسخ این سؤال در جمهوری آذربایجان که «ریشه هویتی ما چیست؟ و نام واقعی زبانمان چیست؟» در سال‌های آتی نیز تداوم خواهد داشت. از این نظر، "جمهوری آذربایجان" کشوری منحصر به فرد در دنیاست که نام زبان رایج و رسمی آن، همچنان محل سؤال است و همه‌ساله در مراکز فکری آن این سؤال به بحث گذاشته می‌شود که؛ "نام زبان رسمی و دولتی جمهوری آذربایجان چیست؟!"

تسنیم